

اکثریت

نشریه هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

جمعه ۱ تیر ۱۳۶۳ برابر ۲۲ ژوئن ۱۹۸۴
بها ۴۰ ریال - سال اول - شماره ۱۲

گسترش و تشدید نارضایتی مردم و بحران حاکمیت

هر روز که می گذرد ، با گسترش و تشدید فاجعه بار سیاستهای ضد مردمی و ضد انقلابی حاکمیت جمهوری اسلامی ، نارضایتی اقشار هر چه وسیعتری از مردم میهنمان از اینست حکومت تشدید گردیده و بیش از پیش به ابراز مخالفت علنی با آن ، چه بصورت گسترده و چه بصورت پراکنده می انجامد . در هفته های اخیر در نقاط مختلف ایران ، به مناسبتها و دلایل مختلف ، تظاهرات و اعتراضاتی انجام گرفته است . کارخانجات و کارگاههای صنعتی سراسر کشور شاهد گسترش مقاومت کارگران در مقابل سیاست کارگر ستیز حکومت است . روستاها نیز کماکان شاهد ایستادگی دهقانان در برابر بزرگ مالکان است که زیر سر نیوز ارگانهای سرکوب جمهوری اسلامی ، بر می گردند تا بعد از پنج سال ، " جبران مافات " کنند و دیاره برگرد زحمتکشان روستا سوار شوند . دانشجویان و دانش آموزان ، زنان و روشنفکران ، سربازان و کارمندان جزء که هر يك بنحوی فجایع کنونی را با گوشت و پوست خود احساس می کنند ، به اعتراض و مخالفت با این سیاستها و سیاستهای حاکم دست می زنند . نارضایتی مردم حتی در انتخابات " مجلس شورای اسلامی " علیرغم جو سرکوب و خفقانی که حکومت بوجود آورده است ، بازتاب یافته . مردم چه از طریق نفرتن به پای صندوقها ، چه از راه دادن رای سفید و باطله و چه به شکل بقیه در صفحه ۲

جنگ را قطع کنید! مردم صلح می خواهند

سپاه برای پذیرش و اعزام داوطلبین نیرو سرنوشت ساز ۰۰۰ دستورالعمل تشکیل گروهانهای رزمی " رمضان " در سازمان رزمی سپاه تهیه و ابلاغ شد . (جمهوری اسلامی ۲۰ خرداد)
" ۰۰۰ قرارگاه سپاه ششم قدس کشوری به کلیه نیروهای جان بر کف قدس و نیروهای اعزام مجدد اعلام آماده باش می نماید ۰۰۰ " (اطلاعیه " سپاه ششم " - جراید ۲۱ خرداد)
" قرارگاه سپاه دهم قدس به کلیه بقیه در صفحه ۷

تدارکات جنون آمیز سران جمهوری اسلامی برای يك حمله وسیع به خاک عراق ، علیرغم مخالفت روزافزون مردم میهن ما و افکار عمومی بین المللی با ادامه جنگ ، گسترش بیسابقه ای یافته است . روزی نیست که مطبوعات و رسانه های گروهی ایران ، خبر از احضار و اعزام نیروهای " تازه نفس " به جبهه های جنگ با عراق را ندهند ؛
" در پی سخنان حجت الاسلام خاмене ای ۰۰۰ مبنی بر حضور دائمی امت حزب الله و همیشه در صحنه در جبهه های نبرد و آمادگی

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران مردم ایران خواهان پایان دادن به جنگ خانمان برانداز ایران و عراق اند

در صفحه ۴

۲۴ میلیارد دلار درآمد سالانه نفت، به کجای می رود؟

پیش بینی گردیده است ، بیش از نیمی از این درآمد را ، مبلغ بدست آمده از فروش نفت (۲۰۵۱ میلیارد ریال) تامین می کند .
حجم فروش نفت در سال گذشته نسبت به سال ۶۰ حدود ۵ برابر افزایش یافت و حتی حجم فروش نفت در ماه فروردین سال جاری بقیه در صفحه ۶

محمد غرضی و زیر نفث جمهوری اسلامی در یازدهمین مجمع پتروشیمی شیراز گفت : " وزارت نفت ، در دو و نیم سال اخیر ، موفق شده است ۶۰ میلیارد دلار یعنی سالی ۲۴ میلیارد دلار پول تحویل دولت بدهد " (اطلاعات اول خرداد)
مجموع درآمد دولت در بودجه تنظیم شده برای سال ۶۳ مبلغ ۳۹۰۰ میلیارد ریال

قلاش حکومت برای انکار جنایات در زندانها، محکوم به شکست است

تحلیل می کند ، به خارج از کشور ارسال و توسط نمایندگی های جمهوری اسلامی در کشورهای مختلف پخش می گردد . هزار چندی ، " کنفرانس " ها و " سمینار " هایی به بهانه های مختلف تشکیل می شود که در آن ، حکومت بنا دعوت از افراد دست چین شده که اکثر آنها شیادان بین المللی هستند ، و پذیرایی از آنها بقیه در صفحه ۳

برای مقابله با انزوای روز افزون در افکار عمومی جهانی و مجامع بین المللی ، حکومت جمهوری اسلامی به تلاشهای وسیع و پرهزینه تبلیغاتی دست زده و قصد دارد تا آنجایی که می تواند ، افشاگریهای نیروهای انقلابی در باره کشتار و اختناق در ایران را خشکی سازد . هر ماه دهها جزوه ، بروشور و نشریه که چاپ و توزیع آنها مخارج سرسام آوری را به خزانه کشور

عکس العمل هدایت شده

تفسیری از هفته نامه "عصر جدید" درباره تشنج آفرینی آمریکا در خلیج فارس

گویا افزایش تشنجات در منطقه خلیج خود بخودی و بهر حال ، غیر قابل کنترل و زائیده جنگ عراق و ایران است ، در حالی که ایالات متحده آمریکا جز تضمین آزادی کشتی رانی در مسیرهای بقیه در صفحه ۵

هفته نامه شوروی " عصر جدید " در شماره ۲۳ خود تفسیری درباره تشنج آفرینی آمریکا در خلیج فارس برج کرده است که در زیر ترجمه آن را می آوریم .
در واشنگتن اینطور وانمود میشود که

احزاب کمونیست و کارگری

کشورهای عربی،

اقدامات سرکوبگرانه

جمهوری اسلامی را محکوم می کنند .

در صفحه ۳

متحد شویم! علیه کشتار و اختناق در ایران بپا خیزیم!

گسترش و تشدید نارضایتی مردم و بحران حاکمیت

بودم، آن بیچاره‌ای که آنجا کار میکرد، میگفت: "آقا با حقوق سه هزار و هفتصد تومان چگونه زندگی کنم؟" و حق داشت. میگفت: "چشم من گرسنه است، آقا ۵۰۰۰" ("نماینده رودسپر - اطلاعات ۵ خرداد)."

استبداد و سرکوبگری، تاریک اندیشی و قشری گری حکومت جمهوری اسلامی در تشدید رویارویی بخشهای هرچه وسیعتری از مردم میهن با آن تاثیر گسترده‌ای دارد. حکومت نه تنها حاضر به تحمل اندیشه‌های ترقیخواهانه و حاملین آن در جامعه نیست و مبارزین راه سعادت و رهایی مردم را با زندان و شکنجه و اعدام سرکوب می کند، بلکه قصد دارد الگویی بخایت عقب مانده و قرون وسطایی را در تمام شئون زندگی، به همه مردم تحمیل کند. مردم در برابر چنین سیاستهایی پیش از پیش مخالفت میکنند. ایستادگی زنان در مقابل اجحافات و بیبندادگریهای حکومت رویه افزایش است. استادان، دانشجویان، معلمین و دانشآموزان مخالفت خود با تفتیش عقاید و انحصار طلبی را گسترش می دهند. تلاش حکومت برای تبدیل ایران به یک مجلس بزرگ نوجبه و عزاداری با مقاومت مردم مواجه میشوند. نقشه رهبران جمهوری اسلامی برای محدود کردن و سپس محو کامل تاثیر اراده مردم در تعیین سرنوشت کشور مخالفت مردم را بر می انگیزد. نمونه بارز در این مورد، تظاهرات مردم خشمگین اصفهان در اعتراض به "ابطال" انتخابات این شهر بسود جناح مسلط ارتجاعی در حکومت بود که در اوج خود به دادن شعار "مرگ بر شورای نگهبان" یعنی مخالفت عملی با اراده رهبری جمهوری اسلامی انجامید.

افزایش مخالفت با حکومت در "پایین" نمی تواند در "بالا" بی تاثیر باشد. پایگاه اجتماعی رژیم بر اثر تداوم گسترش و تحکیم سلطه طرفداران غارت بی بند و بار کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی پیوسته محدودتر می گردد. بموازات تشدید نارضایتی مردم تضاد میان لایه‌های بالایی و پایینی حاکمیت نیز شدت می یابد و به بحران درون سیستم حاکم دامن می زند. هر چند سردمداران حکومت نهایت تلاش خود را بکار می بندند تا در ضمن پیش بردن سیاست تثبیت فارتگری سرمایه داران و زمین داران بزرگ، با عوام - فربیی و ریاخته حمایت توده‌ای از جمهوری اسلامی را حفظ و ناراضیان از سیاستهای

عدم انتخاب ارتجاعی ترین کاندیداهای مورد حمایت حکومت آنچنان "درس"ی به سران جمهوری اسلامی دادند که آنها مجبور شدند اعتراف کنند: "در این انتخابات متوجه شدیم که با مردمی آگاه رویرو هستیم و اینطور نیستی که ما هر چه بکنیم بگویند درست است." (موسوی اردبیلی - کیهان ۱۴ اردیبهشت)

بی شک مهمترین عامل تشدید نارضایتی و مخالفت مردم، ادامه جنگ از جانب حکومت است. جنگ علاوه بر کشته و معلول ساختن جمع کثیری از جوانان و نوجوانان کشور و بسی سرپرست کردن هزاران خانواده، مبالغ هنگفتی از ثروت ملی و بودجه دولتی را می بلعد که این امر، بر وضع زندگی زحمتکشان تاثیر مستقیم می گذارد. مخالفت با ادامه جنگ بصورت فرار از جبهه‌ها، تظاهرات در شهرهای مناطق جنگی (بخصوص پس از بمباران‌ها)، اعتراض خانواده‌های جوانان گسیل شده به جبهه، امتناع از دادن "کک" برای جنگ، مقاومت آوارگان جنگی در برابر سیاست بازگرداندن اجباری آنها به مناطق زیر آتش و... ابراز می گردد.

بعد از جنگ، بیشترین تاثیر را در تقابل روز افزون مردم با حکومت، نزول فاحش سطح زندگی مردم و بخصوص کارگران و زحمتکشان حقوق بگیر و همچنین دهقانان بر اثر بازگذاشتن دست کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان در غارت و چپاول دارد. بویژه فعال مایشاء شدن بورژوازی بزرگ تجاری که کنترل بازار ابتدایی ترین مایحتاج زندگی مردم را در جنگ خود می فشارد، هر روز مخارج زندگی را بالا می برد، در حالیکه دستمزدها و حقوق و درآمد زحمتکشان مدت‌هاست که ثابت مانده است. مشکل مسکن که دلیل عمده آن، اسود جویی صاحبان مستغلات است، در شهرها بیداد می کند: "محرومی خانهای اجاره کرده بعد از ۳ سال صاحبخانه می گوید قبلا ۳۰۰ تومان کرایه می دادی حالا کرایه خانه من شده ۴۰۰۰ تومان یا باید خانه را خالی کنی، و از طرفی می بینیم که درآمد آن محروم هیچ فرقی نکرده است و از سوی دیگر قانون (!!) می گوید خانه باید خالی شود ۱۰۰۰" (موسوی اردبیلی - کیهان ۱۳ خرداد). گسترش فقر در اقشار وسیعی از مردم بحدی است که حتی در مذاکرات مجلس انعکاس می یابد: "دیروز به دادگستری رفته

حاکم در درون رژیم را دنبال رو خود سازند، اما تشدید تضادهای طبقاتی در جامعه، تاثیر دروغراکنی‌های سران حکومت را هر چه محدودتر می سازد. رفسنجانی رئیس مجلس، خامنه‌ای رئیس جمهوری و سایر رهبران جمهوری اسلامی مدام تکرار می کنند: اختلافات درون حکومت "اختلاف سلیقه" و "اختلاف کارشناسی" است، حال آنکه دیگر حنای آنها حتی برای کسانی که سران حکومت امید وارند بتوانند از ابراز مخالفتشان جلوگیری کنند، رنگی ندارد:

"بعضی از دوستان و برادران من مثل اینکه به شوخی قضیه را می گذرانند و میگویند: اختلاف سلیقه است. اما کجا اختلاف سلیقه است؟ ریشه اقتصادی کشور به این وابستگی دارد، اختلاف سلیقه نیست. جان مردم دارد به لب میرسد. ۵۰۰۰ متاسفانه همه ما می آئیم و شعار میدهم و هیچکداممان حاضر نیستیم این قضیه را به مردم بگوئیم. واقعیت اینست که مردم بزرگوار ایران، مردم انقلابی ایران، من معتقدم که بعد از پنجسال ما مانده‌ایم ۵۰" (نماینده رودسراطلاعات ۵ خرداد)

این "درماندگی" حکومت از آنجانی نانی می شود که اولاً رهبری جمهوری اسلامی به اهداف انقلاب خیانت کرده و دیگر ننی خواهد به خواستهای مردم پاسخ مثبت دهد و ثانیاً از سوی دیگر، همین رهبری که به دفاع از منافع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان کمر همت بسته، در مقابل مخالفت روز افزون مردم و جناح‌هایی از درون خود حکومت آنقدر قدرتمند نیست که بتواند بطور کامل راه را برای احیای بی خدشه نظام اجتماعی، "دوران ستمشاهی" باز کند: "ما بعد از پنجسال هنوز نتوانسته‌ایم به این مردم بگوئیم که با کدامیک از این معیارها می خواهیم زندگی کنیم. واقعا باید خان‌ها بروند، فاسدان بروند، دزدان بروند، غارتگران بروند؟ اگر می خواهند برگردند، بنظر من خیلی صادقانه میرسد که ما به این مردم بگوئیم ۵۰۰۰ از اینطرف سیستم اداری سعی بجز حاکمیت اینها دارد و از سوی دیگر سیستم انقلابی در خیابان‌ها و کوچه‌ها برای براندازی اینها آماده شده است." (همان نماینده، همانجا)

اگر چه هنوز همچنان بخش‌هایی از "مردم انقلابی" در انتظارند تا رژیم جمهوری اسلامی به وعایدی که داده بود وفا کند و اگر چه رژیم، با سوءاستفاده از ابزارهای مذهبی و با توسل به تبلیغات عوام‌فریبانه، توانسته است تا کنون بخش‌هایی از مردم را در بقیه در صفحه ۴

تلاش حکومت برای انکار جنایات در زندانها، محکوم به شکست است

احزاب کمونیست و کارگری کشورهای عربی، اقدامات سرکوبگرانه جمهوری اسلامی را محکوم می کنند

احزاب کمونیست و کارگری کشورهای عرب در گرد همایی اخیر خود، سندی مورو تصویب قراردادند، که در آن، اوضاع کنونی خاور نزدیک و میانه مفصلاً تجزیه و تحلیل شده است. در این سند، خاطرنشان می گردد که امپریالیستهای ایالات متحده آمریکا ضمن تعقیب اتحاد استراتژیک خود با اسرائیل، همکاریهای خود را با برخی رژیمهای ارتجاعی، بخصوص در منطقه خلیج فارس، تشدید می کنند.

در ادامه بیانیه آمده است، در چنین شرایطی، تلاش برای وحدت صفوف همسایرهای ترقیخواه در کشورهای خاور نزدیک و میانه و قطع پیگرد و آزار میهن پرستانی که با امپریالیستها و دست نشاندهان محلی آنها مخالفت می کنند، بسیار واجد اهمیت است. شرکت کنندگان در گرد همایی، سیاست اعمال فشار و تضييقات در مورد احزاب کمونیست و کارگری و سایر نیروهای ملی و میهن پرست و سرکوبی آزادیهای دموکراتیک در برخی از کشورهای خاور نزدیک و میانه را قاطعانه محکوم کردند. آنها خواستار آزادی زندانیان سیاسی و خواستار لغو قوانین و اقدامات سرکوبگرانه شدند.

احزاب کمونیست و کارگری کشورهای عرب، همبستگی خود را با حزب توده ایران و سایر نیروهای دموکراتیک ایران اعلام داشتند و اشاره کردند که ملل کشورهای عرب، با شور و هیجان از پیروزی انقلاب ۲۲ بهمن در ایران، که در نتیجه آن، استبداد شاه سرنگون گردید و به سیادت انحصارات امپریالیستی در ایران ضربه خورد، استقبال نمودند و حمایت جدی خویش را از پیکار میهن پرستان ایرانی در راه تحقق در گرونیهای اساسی در کشور در جهت بهبود وضع زحمتکشان و تأمین استقلال ایران اعلام داشتند. چهار سال پیش نیز احزاب کمونیست و کارگری منطقه خلیج فارس و شبه جزیره عرب در بیانیه ای، خاطرنشان ساختند که تکامل انقلاب ایران و دفاع از آن، تأمین آزادیهای دموکراتیک برای مردم ایران، نیل به یگانگی نیروهای ضد امپریالیستی ایران، حل مسأله ملی در ایران برشالوده دموکراتیک و تحکیم بناسبات دوستانه با اتحاد شوروی را ایجاب می کند، عواملی که به انقلاب ایران امکان می دادند تا در برابر امپریالیسم ایستادگی کند.

احزاب کمونیست و کارگری کشورهای عربی در بیانیه خود همچنین اظهار امیدواری کرده اند که با حمایت و همبستگی انقلابیون سراسر جهان، پیکار حزب توده ایران و همسایر میهن پرستان ایران در راه سعادت مردم کشور ما به پیروزی دست یابد.

"در سمینار جهانی قضایی اولیه هدفی را که ما داریم این است که ما به کسانی که در خارج نشسته اند و می گویند ایران مردم را بدون جهت مجازات می کند، ایران مردم را بدون حساب می کشد و ایران در محاکماتشان حساب و کتابی ندارد بگوئیم که در ایران همه چیز روی حساب است." (جمهوری اسلامی، ۱۰ خرداد) آقای صانعی گفت که بر اساس چه "حساب و کتاب"ی انسانهای شریفی، کمتهای گناهان آزاداندیشی و دفاع از انقلاب و حقوق محرومین است، به بند کشیده شده و اعدام می گردند. "دادستان" کل کشور در همان مصاحبه اعتراف کرد که "حساب و کتاب" مورد نظریشان ربطی به قانون ندارد.

"اسلام در باب قضا و لولیت راه قاغی داده ولی در قوانین دنیا و لولیت با قانون است." (همانجا)

در واقع نیز در محاکم جمهوری اسلامی تنها چیزی که اصولاً مطرح نیست تا چه برسد به "لولیت"، قانون است! "قاضی" در قوه قضاییه جمهوری اسلامی همه کاره است و در همه مراحل "پرونده" از بازجویی و شکنجه تا محاکمه و اعدام حضور دارد. حتی در برخی موارد حکام شرع خود نقش جلاد و شکنجه گر را نیز به عهده می گیرند!

در حالی که مسئولین عالی رتبه قضایی کشور، تمام کوشش خود را با کرمی گیرند تا جنایات خود و جنایات دستگاہی را که در رأس آن هستند کتمان کنند، "حاکم شرع" زندان اوین یعنی جایی که بیشترین اعدامها و شکنجه ها صورت می گیرد، تا خواسته خود افشاکاری کرده و ضمن گفتن اینکه زندانها "مشکل کمبود جا" دارند، افزوده است:

"قبل از انقلاب و در دوران پیروزی انقلاب مسئولین فکرمی کردند که اصلاً اینقدر نیازی به زندان داشته باشیم!" (کیهان ۱۲ خرداد)

"مشکل کمبود جا" در زندانها که حاکم شرع اوین از آن اسچی برد، اکنون به حدی است که اغلب در یک سلول کوچک، ۳۰ الی ۴۰ زندانی مجبورند بسر ببرند. حکومتی که "اینقدر نیاز به زندان" دارد، از نظرات کارمندی جهانی محکوم و مطرود است. هیچ ترفند تبلیغاتی نخواهد توانست لکه ننگی را که از بابت قتل و شکنجه و آزاردها هزار زندانی میهن پرست برداشتن رژیم جمهوری اسلامی نشسته است، پاک کند. تلاش حکومت برای انکار جنایات خود در زندانها، محکوم به شکست است.

بقیه از صفحه اول

در رگن ترین هتلهای تهران، نمایشهای تبلیغاتی ترتیب می دهد. محکومیت و رسوایی حکام ایران در عرصه جهانی به حدی است که حتی در این مجامع فرمایشی نیز، برخی شرکت کنندگان در باره اعمال جنایتکارانه شکنجه و اعدام در زندانهای جمهوری اسلامی سئوالاتی مطرح می کنند. جواب این سئوالات طبق معمول، افکار جنایات در خمیان درسیا هیچالها و فراموشخانه های رژیم است. همین چند هفته پیش بود که یکی از "اعضای مجمع" منتخب حکومت که در "کنفرانس بین المللی" شرکت کرده بود، باریگر در تهران مساله شکنجه را عنوان نمود، و شخص موسوی اردبیلی رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی را مجبور ساخت دروغ دهها بار تکرار شده "در زندانهای ما از شکنجه خبری نیست" را یک بار دیگر تکرار کند و تا خواسته بسر موضع ضعیفی که رژیم بدنبال افشاکریهای وسیع پیرامون جنایات آن در سطح بین المللی در آن قرار گرفته، انگشت بگذارد.

واقعیت این است که امروز دیگر رتسمان دنیا حکومت جمهوری اسلامی را محکومست شکنجه گری می شناسند که انسانهای آزاده را تنها به جرم داشتن اندیشه های ترقیخواهانه بازداشت می کند، به شلاق می کشد و دسته دسته به جوخه های اعدام می سپارد. محکومیت صریح رژیم از سوی دبیرکل سازمان ملل متحد، فراگیرترین مجمع بین المللی، و گزارشهای متعدد کمیسیون حقوق بشر این سازمان که همگی حاکی از نقض ابتدایی ترین موازین حقوقی انسانی توسط حکومت ایران است، گویاتر از آن است که نیازی به تفسیر داشته باشد. تاکنون هیچ یک از تشیلات رژیم جمهوری اسلامی نتوانسته است آن را از انزوای مطلق که به واسطه جنایات خود در حقیقت میهن پرستان ایران بدان دچار شده، نجات دهد.

اینکه حکومت که دروغ بودن تبلیغات آن را انکار وجود شکنجه و اعدامهای دسته جمعی بر همه جهانیان آشکار شده، در پی آن است تا با تشکیل به اصطلاح "کنفرانس بین المللی قضایی"، به کوشش دیگری جهت کتمان واقعیات مربوط به زندانهای ایران دست یازد. "سمینار مقدماتی داخلی" (موسوی اردبیلی) - جمهوری اسلامی ۱۰ خرداد) برای این کنفرانس به مدت چهار روز تشکیل شد و در پایان آن، اعضای "شورای عالی قضایی" اهداف و عملکرد آن را در یک مصاحبه مطبوعاتی تشریح کردند. صانعی "دادستان"، کل کشور گفت:

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

مردم ایران خواهان پایان دادن به جنگ خانمان برانداز ایران و عراق اند

اعتراف کرد و گفت که ایالات متحده در قبال بسته شدن تنگه هرمز و یا تهدید کشتی رانی در خلیج فارس ساکت نخواهد نشست.

تشدید جنگ و توسعه دامنه آن به دیگر کشورهای منطقه با استراتژی واشنگتن برای تبدیل خا و رمیان به عرصه اجرای طرحهای تجاوز گرانه علیه صلح و امنیت جهانی و نهضت های رهایی بخش ملی انطباق کامل دارد.

ما از روز نخست معتقد بودیم و امروز نیز عقیده راسخ داریم، که اختلافات موجود بین دولت ها باید از طریق مذاکرات سیاسی حل و فصل شود. متأسفانه سران جمهوری اسلامی تاکنون به فراخوان صلح سازمان ملل متحد، جنبش عدم تعهد، سازمان کنفرانس اسلامی، الجزایر، اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و نیز شخصیت های بین المللی پاسخ منفی داده اند. و این در شرایطی است که مبارزه علیه ادامه جنگ روز به روز در کشور گسترش می یابد. مردم ایران خواهان صلح اند و برآنند که حل نظامی اختلافات بین دو کشور همسایه امکان پذیر نیست. ترك مخاصمه و دستیابی به یک صلح عادلانه و پایدار به نفع صلح جهانی و به زیان امپریالیسم است و هر چه زود تر باید عملی گردد. صلح، خواست عاجل توده های میلیونی زمینگشان است و باید برقرار شود.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۴ خرداد ۱۳۶۳

هدف امپریالیسم از شعله و ر ساختن آتش جنگ ایجاد کانون های تشنج و درگیری در منطقه به قصد تشدید اختلاف میان خلق های خاور میانس و نزدیک است که علیه سیدات امپریالیسم مبارزه می کنند. هدف استعمار پی آمدهای مخرب تجاوز اسرائیل به لبنان، تهدید استقلال سوریه و انحراف اذهان عمومی در ایران و عراق از دشمن مشترک، امپریالیسم و صهیونیسم است.

تمرکز ناوگان هفتم آمریکا و ناوگان جنگی انگلستان و فرانسه در اقیانوس هند و دهانه تنگه هرمز و اعلام خلیج فارس بعنوان منطقه "منافع حیاتی" ایالات متحده، و کوشش برای جلب کشورهای عربی خلیج فارس به "فرماندهی مرکزی"، که بیش از ۶۹ کشور را تحت پوشش نیروهای "اقدام سریع" قرار می دهد، میهن ما را با خطر جدی مواجه ساخته است. با حملات موشکی به نفتکش ها که رسانه های گروهی غرب سروصدای زیادی پیرامون آن به راه انداخته اند امکان چرخش جدید در جنگ ایران و عراق بوجود آمده که واشنگتن خواهان آن است.

توسعه جنگ، حضور نظامی فعال تر امپریالیسم آمریکا، این دشمن اصلی خلق های تحت ستم را در این منطقه مهم استراتژیک و نفت خیز فراهم می آورد.

به نوشته مطبوعات غرب، سناریوی دخالت نظامی ایالات متحده در خلیج فارس به بهانه دعوت کشورهای منطقه از مدت ها پیش آماده شده است. رونالد ریگان در مصاحبه مطبوعاتی اخیر خود به وجود نقشه عملیات فوق العاده

مردم میهن ما قربانی جنگ خانمان براندازی هستند که دولتمردان جمهوری اسلامی با ساجت بدان ادامه می دهند. نه شمسار سرسام آور کشته ها و مجروحین و معلولین که به صدها هزار نفر بالغ می شود و نسل جوان ایران را تهدید می کند، نه وجود دویلیون آواره جنگی، نه اختصاص صدها میلیارد ریال از بودجه کشور برای خرید تجهیزات نظامی، که سود آن به گاو و صند و قهای سوداگران مرگ، انحصارهای اسلحه سازی غرب سرزمین می شود، مانع از آن نیست، تا حاکم جمهوری اسلامی همچنان جنگ را یک وظیفه شرعی اعلام نکنند.

ادامه جنگ که کوهی از مصایب، فلاکتها و ویرانی ها به بار آورده، سیاست ترور و اختناق را در کشور تشدید می بخشد. هزینه های عظیم نظامی از سویی و جذب بخش قابل توجهی از نیروی فعال جامعه به ارتش و سپاه و بسیج و غیره از سوی دیگر، ضربات مهلکی بر پیکر اقتصاد کشور وارد می آورد. صنایع ۴۰ تا ۵۰ درصد ظرفیت کار می کنند. تعداد بیکاران روز به روز افزایش می یابد. تولید کثافت و زنی در آستانه ورشکستگی کامل قرار دارد. واردات محصولات کثافت زری سرسام آور رو به افزایش است. فقر گسترده میلیون ها روستایی را به مهاجرت به شهرها مجبور می کند. نرخ تورم در سال گذشته به رقم ۴۰ درصد رسید.

سردمداران رژیم با طرح شعارهای بی چون "جنگ، جنگ، تا پیروزی"، "جنگ عامل تغییر ساخت اقتصاد" و یا "تنور جنگ را باید گرم نگه داشت" ادامه جنگ را در گستره بی سابقه ای تبلیغ می کنند.

به جنگ ادامه می دهند تا معضلات عظیم اجتماعی و اقتصادی، احتکاراتی، کمبود مایحتاج زندگی، بیداد زراعت و زان و مولد بین فقر و ثروت را سرپوش گذارند. ادامه جنگ را تبلیغ می کنند تا احزاب و سازمانهای انقلابی و ضد امپریالیستی، مدافعان راستین زمینگشان را سرکوب و عرصه را برای یک تازی ارتجاع و عمال امپریالیسم خالی کنند. و بالاخره تنور جنگ را گرم نگه می دارند تا زود و بند پشت پرده به امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا از انظار پنهان بماند.

تردید نیست که ادامه جنگ به نفع امپریالیسم و به ضرر مردم و کشورهای همسایه در حال جنگ است. جنگ بهانه های اضافی به امپریالیسم آمریکا برای تقویت موضع خود در منطقه می دهد. نباید از نظر دور داشت، که استراتژی فشار نظامی - سیاسی امپریالیسم امروز نیز مانند گذشته وسیله ای برای تأثیر در روند تکامل اجتماعی - اقتصادی و سیاسی کشورهای منطقه به شمار می رود.

گسترش و تشدید

بقیه از صفحه ۲

آگاه و مردمی، برای تحکیم پیوند با جنبش مردم و ارتقاء آن، هر روز بیشتر از پیش از امکانات و فرصتهای تازه تری برخوردار میشوند. حضور سازمان یافته فعالین سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) در میان مردم، در شهر و روستا و در سراسر ایران، و تأثیر قدرتمند آنان بر حرکات اعتراضی مردم، نشانه دیگری است که با پیگیری و هشیاری میتوان به انجام وظایف انقلابی پرداخت. آن همه سرکوب و کشتار نتوانست و نخواهد توانست پیوند فدائیان خلق را با مردم بگسلاند. فدائیان خلق در پیوند با مردم و از میان مردم، همراه با توده ها، دست خود را برای مبارزه ای متحد علیه دشمنان مردم، بسوی همه نیروهای صدیق و انقلابی دراز میکنند. پیگیری انقلابی شناخت و بکارگیری همه امکانات را میطلبند که مبارزه متحد مردم فراهم آورده است.

مبارزه مشترك ماست که کار ارتقاء آنها تسهیل میکند.

توهم نگهدارد، ولی تضاد خواستها و آرمانهای مردم با اهداف حکومت هر روز بارزتر میگردد و امکانات گسترده تر و تازه تری، برای سازماندهی و هدایت جنبش اعتراضی و مطالباتی اقلات و طبقات و بخشهای گوناگون مردم، فراهم می آید. در راستای گسترش و ژرف شدن جنبش گروههای مختلف مردم، علیه سیاستهای حاکمیت، و درنمای اوگیری جنبش مستقل توده ها پدیدار میگردد.

حدت بحران درون سیستم حاکم نیز، بنویه خود، امکانات تازه دیگری را فراهم میآورد، بحرانی که "توان و امکان رهبری جمهوری اسلامی، برای سرکوب و محو جنبش انقلابی" را، کم اثر میسازد. (کار شماره ۴)

تضعیف توان حکومت اگر چه بمعنسی تخفیف درنده خوئی آن نیست، اما نیروهای

نامه های خوانندگان



هندوستان: مطالب و ترجمه های سی

از شهرهای دزادون، بنگلور، بارودا، پنجاب، دهلی، لودیانا بدستمان رسید، تلاش ارزنده رفقا قابل ستایش است. ما منتظر مطالب دیگر رفقا هستیم.

ترجمه هایی از ترکیه، مونپلیه (فرانسه)، انگلستان، هندوستان و پاکستان رسید. از رفقا و دوستان عزیز که برای ما ترجمه میفرستند، میخواهیم، در مورد مطالب مربوط به ایران، بیشتر کوشش کنند. مقالات و رپرتاژهای به چاپ رسیده در مطبوعات را ترجمه کرده و بفرستند. ترجمه اخبار کوتاهی که در تمام مطبوعات جهان به چاپ می رسد ضروری نیست.

از انگلستان، مقاله های "جمهوری اسلامی و جنبش تعاونی"، "امپریالیسم و بحران در خاور میانه" و "جمهوری اسلامی و کارگران" به "اکثريت" رسیده است. نظر رفقا را مجدداً به تذکراتی که در ستون نامه های خوانندگان "اکثريت" شماره ۲، داده شده است، جلب می کنیم. به علاوه قید فاکتها و منابع آنها - که بر اساس نتیجه گیری از این فاکتها مقاله نوشته میشود - ضروری است. لازم به یادآوری است، مقالاتی که بیش از یک صفحه نشریه باشد، به ندرت مورد استفاده "اکثريت" قرار میگیرد.

پاکستان: رفقای عزیز! اشعار شما را به نشریه "دفترهای هنر و ادبیات" فرستادیم. از کانادا، رفیقی چند طرح برای ما فرستاده است. منتظر دریافت طرحهای دیگری از ایشان هستیم.

رفیق ب.ج.، شعر شما با عنوان "پیشرفت" به دست ما رسید. کوشش کنید برای مهارت بیشتر، تا یک مدت به وزنهای عروضی روی نیاورید. در این مرحله ای که از نظر کار ادبی قرار دارید، استفاده از قالب شعر سبید، برای میسر دادن به قوه تخیل شاعرانمان، مناسبتر است. برای استفاده از وزنهای عروضی، لازم است هرچه بیشتر شعر کلاسیک ایران را، مورد مطالعه قرار دهید. باز هم برای ما از شعرهایتان بفرستید.

است. در چنین شرایطی ریگان مجبور شد به سئوالی در مورد شرکت اجتماعی نیروهای آمریکایی در "اقدامات نظامی در منطقه خلیج" بدین شکل پاسخ دهد: "من فکر میکنم چنین احتمالی بسیار کم باشد، من نمی توانم پیش بینی کنم که کار به آنجا بکشد." آیا آقای رئیس جمهور سخنان خود را بساو دارد؟ به این امر باید با تردید زیاده نگرست.

عکس العمل هدایت شده

تفسیری از هفته نامه "عصر جدید"

درباره تشنج آفرینی امریکا در خلیج فارس

آنچه مربوط به بهانه (برای مداخله) می گردد، در شرایط بالا گرفتن شدید بحران کنونی، بوضوح دیده میشود که وخامت اوضاع عمیقاً ایجاد شده است: "نیوزویک" ناخواسته فاش می سازد که جنگ ایران و عراق - برای انحصارات نفتی آمریکا "سودمند" بوده است. البته نه تنها برای آنها، بلکه همچنین برای "دلان اسلحه و بانکداران"، "به علاوه طبق نوشته "نیویورک تایمز"، "به عقیده مقامات رسمی دولت و طراحان سیاست آمریکا، این جنگ، به کمک ایالات متحده آمده است." آیا طراحان سیاست ریگان خود را فریب نداده اند؟ سران دولت آمریکا با پاشیدن نفت به آتش، تدارک ابزار مداخله و به علاوه کشاندن تدریجی متحدین خود به این تدارکات، دنیای هدف را دنبال می کنند. اهداف درازمدت و استراتژیک عبارتند از: تا همین کنترل آمریکا بر "شیر نفت" که از طریق آن هنوز هم ۲۰ درصد مواد سوختی مایع به بازار سرمایه داری سرازیر میشود، زیر منگنه گذارتن کشورهای اسلامی، و مهمتر از همه ایجاد یک پایگاه جدید نظامی در مرزها جنوبی اتحاد شوروی.

اما از نظر دولت ریگان اهداف کوتاه مدت تر و تاکتیکی از فوریت بیشتری برخوردارند، از جمله گرفتن انتقام بابت شکست در لبنان و بدینوسیله محروم کردن حزب رقیب دموکرات از یک سوژه عمده تبلیغاتی در انتخابات آتی ریاست جمهوری. بدیهی است که برای این کار گروه ریگان عجله خاصی دارد. بدین ترتیب، ملاحظات انتخاباتی (بار دیگر) باعث حرکت ماشین عظیم استراتژیک آمریکا و بطور کلی امپریالیسم می گردد. این امر حتی به آن نیروهایی که واشنگتن روی کمک آنها حساب باز کرده بود هشدار باشد داده است. دولت های عربی ساحل خلیج فارس به چشم خویش شبح اشغال مناطق نفتی خود را توسط آمریکا دیدند و بجای اینکه از ایالات متحده بخواهند نیروهای خود را (به منطقه) بفرستند، به شورای امنیت مراجعه کردند. در اروپای غربی "سناریو" معروف پنتاگون که بر طبق آن انتقال ناوگان آمریکا به خلیج پس از طی چند مرحله بطور اجتنابناپذیر به "آماده باش کامل" در کشورهای ناتو" (۱) می انجامد، در اذهان تداعی گشت.

و بالاخره برای خود آمریکایی ها هم ثابت شد که دولت این کشور نقشه انجام یک سیاحت در زیر آفتاب مناطق گرمسیر را نکشیده، بلکه یک خطر جدی برای صلح ایجاد کرده

بقیه از صفحه اول
مهم حمل و نقل نفت در این منطقه چیزی در سر ندارد. آری، کشتی رانی در خلیج واقعاً در خطر است، به خصوص از هنگامی که نفت کشها از هوا مورد حمله قرار میگیرند. اما کیست که در صورت بروز خطر، بخواهد آتش را با بنزین خاموش سازد؟ تمرکز دو ناو گسروه آمریکایی در مدخل خلیج، خطر را به هیچ وجه کاهش نمیدهد. بلکه برعکس، تدارکات نظامی آمریکا، از هم اکنون یک سلسله زنجیر از کنشها و واکنشها را ایجاد کرده است که نه تنها خود بخودی نبوده، بلکه کاملاً هدایت شده است.

درست هنگام وخامت اوضاع (در خلیج فارس)، اسرائیل شروع به گلوله باران آن مناطقی از دره بقاع لبنان کرد، که در مجاورت مستقیم مواضع نیروهای سوریه واقع شده اند. سوریه بار دیگر در مرز جنگ قرار گرفته است. کیست که باور کند اسرائیل راساً دست به چنین عملی میزند؟ قرار داد مربوط به "همکاری استراتژیک" میان تل آویو و واشنگتن درست با این هدف منعقد گردید که چنین عملیاتی متقابلاً هماهنگ شود، آنها هم همتی نه تنها با آمریکا، بلکه همچنین با ناتو، که در کنفرانس ماه مه آن، شولتز وزیر خارجه آمریکا بار دیگر خواهان گسترش عملی حوزه عمل این پیمان به خلیج فارس شد. (چه تصادف جالبی!) بیپرده نیست که (در محافل ناتو) اینک سخن از تشکیل نوع جدید "نیروهای چند ملیتی" پیمان آتلانتیک به میان آمده است.

یک تصادف دیگر: در ماه مه، چند روز پیش از وقایع کنونی، بوش معاون رئیس جمهور آمریکا به آسیا سفر کرد. وی در پاکستان خواهان تشدید جنگ اعلان نشده علیه افغانستان گردید. البته معلوم نیست که در پشت درهای بسته چه گفته است. تنها این امر روشن است که ایالات متحده آمریکا به پاکستان بعنوان پایگاهی برای انتقال دادن نیروی مداخله گر به منطقه خلیج می نگرد. بوش که انکار میخواست این مسیر هوایی را افتتاح کند، از اسلام آباد به سلطان نشین عمان رفت که یکی از دژهای آمریکا در این منطقه به شمار می رود. بنا بر این، همه چیز حاکی از آن است که مداخله آمریکا تا کوچکترین جزئیات آن برنامه ریزی شده است. هم اکنون نیز ابزاری برای مداخله وجود دارد: فرماندهی مرکزی آمریکا که بیش از یک سال پیش ایجاد شد و وظایف آن در ارتباط با منطقه خلیج تعیین گردیده است.

۲۴ میلیارد دلار درآمد سالانه نفت، به کجای می رود؟

بقیه از صفحه اول

نسبت به مردادماه سال ۶۰ (از ویست هزار بشکه به ۵ میلیون بشکه در روز) افزایش بیشه میزان ۱۰ برابر نشان می دهد.

آمار و ارقام منتشر شده از سوی حکومت، نشان می دهد که نفت که کماکان منبع اصلی درآمد دولت و تقریباً تنها منبع درآمد ارزی جمهوری اسلامی باقی مانده است. سیاستگذاران جمهوری اسلامی نه تنها قدمی در راه کاهش میزان اتکال اقتصاد کشور به نفت برنداشته اند، بلکه تکیه بر درآمد ارزی به آنرا تشدید نیز کرده اند. حکومت با درپیش گرفتن سیاست فروش نفت به هر قیمتی و واریز کردن درآمد فروش آن به گاو صندوقهای انحصارهای چند ملتیتی، چوب حراج را به این شروت ملی زده است.

نخست ببینیم، حکومت نفت را چگونه می فروشد؟ وزیر نفت می گوید: "امروز مردم ما در حال جنگیدن هستند و برای این منظور باید نفت فروخت تا بتوان جنگید. ما قیمت نفت را ۲ دلار پایین آوردیم. البته علت پایین آوردن آن ۳ دلار معلوم بود. یکی عدم فروش نفت ایران و دیگری جنگی بودن منطقه خاگ بود که روی کرایه و بیمه کشتی ها حد و یک دلار اثر می گذاشت. در سال ۶۱ ما قیمت نفت را از ۲۰/۳۴ به ۲۰/۳۱ دلار کاهش دادیم." (کیهان - ۱۶ خرداد ۶۳) اخبار مطبوعات خارجی حاکی است که حکومت به کشورهای امپریالیستی از قیمت توافق شده در اوپک و حتی از قیمت اعلام کرده خود نفت را به بهیاریزان تری می فروشد. براساس نوشته فصلنامه "بررسی اقتصادی ایران" منتشره از سوی "واحد اطلاعات اقتصادی - لندن"، ایران نفت بخام سبک و سنگین را به ترتیب به بهای ۲۸ دلار و ۲۶/۹۰ دلار، برای هریشکه به فروشی رساند. در این میان شرکت های نفتی امپریالیسم ژاپن، بزرگترین خریدار نفت ایران، از تخفیف مجددی معادل ۲ دلار در هریشکه بهره مندی باشند. حکومت برای جلب نظر کنسرسیوم، غرامتهای کلانی به شرکت های عضو آن پرداخت کرده است. برای مثال به شرکت نفتی انگلیسی "بهیثیش پرولیوم" مبلغ ۱۲۰ میلیون دلار، شرکت فرانسوی "ت. اف. پ." ۱۷ میلیون دلار، به "شل" مبلغ ۴۰ میلیون دلار و سایر شرکتها ۱۳۳ میلیون دلار پرداخت شده و یسادر شرف پرداخت است. (همان فصلنامه)

طی ماههای اخیر که نزدیک شدن تفککها به جزیره خاگ، خطر هدف حمله هوایی قرار گرفتن رادیرداشت، جمهوری اسلامی گامی دیگر برای به خراج گذاشتن "خون سیاه" ایران برداشته است، و اعلام کرد، قیمت نفت خود را به

میزان ۷/۵ درصد پایین می آورد. سطح این کاهش معادل مبلغی بود که کارتل بیمه "لویدز" مستقر در لندن به بهای بیمه تفککها افزود. اکنون جمهوری اسلامی در مقایسه با سایر اعضای اوپک نفت - این شروت ملی میهنان را به نازلترین بهای به انحصارات نفتی می فروشد. ثانیاً، توجه به شیوه بکارگیری ارز حاصل از فروش نفت، نیز نشان می دهد که حکومت نه تنها در فروش نفت به منافع ملی نمی اندیشد، بلکه در خرید کالا و مواد اولیه مورد نیاز صنایع وابسته ایران نیز در راهی گام گذاشته است که رژیم شاه معدوم، استاد بد فرجام پیمودن آن بود.

مبالغ هنگفتی از ارز حاصل از فروش نفت، صرف خرید اسلحه و تجهیزات نظامی از کشورهای آمریکا، انگلستان، اسرائیل و... می گردد. این خرید های کلان از طریق قاچاقچیان بین المللی و یا بطور مستقیم صورت می گیرد. حکومت از در هر گونه خبری به بیرون در مورد تسلیحات نظامی پناهی "مصلح شرعی" شدیداً جلوگیری می کند ولی بر طبق نوشته مطبوعات خارجی فقط ظرف سال ۱۹۸۳ حدود ۲۷۰ میلیارد ریال اسلحه و تجهیزات از انحصارات نظامی خریداری کرده است. طبق اعتراف سران رژیم، یک سوم بودجه سالانه به جنگ اختصاص دارد. بایک برآورد ساده، مخارج روزانه جنگ بالغ بر ۲/۱۰ میلیارد ریال و هزینه سالانه آن بالغ بر ۱۱۴۰ میلیارد ریال می گردد.

جدول مقایسه ای توزیع جغرافیایی واردات ایران قبل و بعد از انقلاب بهمن

منبع آمار سال ۱۳۵۵، گزارش و ترازنامه سال ۱۳۵۵ بانک مرکزی ایران و سال ۱۹۸۲ میلادی، فصلنامه بررسی اقتصادی ایران منتشره از سوی "واحد اطلاعات اقتصادی - لندن"	سال ۱۳۵۵		سال ۱۹۸۲ میلادی	
	کشور	درصد	کشور	درصد
Quarterly Economic Review of Iran Published by : The Economist Intelligence Unit LTD London	آلمان غربی	۱۷/۸	آلمان غربی	۲۱
	ژاپن	۱۷/۴	ژاپن	۱۴
	ایالات متحده	۱۵/۶	ترکیه	۱۲
	انگلستان	۶/۸	ایتالیا	۱۱
	ایتالیا	۵/۸	انگلستان	۹
	فرانسه	۵/۵	فرانسه	۵
	سایر کشورها	۳۱/۱	سایر کشورها	۲۸

اسلامی نیز به همان شکل در راه خرید اسلحه، کالا های مصرفی و بنجل غربی مصرف شده است. حکومت طی سالهای گذشته "طی لای سیاهی" راکه به وسیله دهها هزار کارگرنفستان از

باتوجه به اینکه خرید جنگ افزار بخش قابل توجهی از این هزینه را در بر می گیرد، می توان دریافت که چه بخش بزرگی از درآمد نفت به گاو صندوقهای انحصارات نظامی و قاچاقچیان بین المللی اسلحه سرازیر می گردد.

مشعل فرا راه حکمت جو و تیزابی، پرفروغ و تابان است!



مجبور کرد که حکم اعدام آنها را به حساب بند
تغییر دهد. ولی رژیم به این بسنده نکرد. بر
شدت شکنجه آنان افزود، تا جایی که رفیق
حکمت جو، به شهادت رسید.

رفیق تیزابی نیز از مبارزانی بود که
در سخت ترین شرایط، مشعل فروزان حزب
را بدست گرفتند و آنرا تا دم مرگ از کف ندادند.
وی با تشکیل محفل "بسوی حزب"، نطفه اولیه
"نبرد" را ایجاد کرد.

امروز نیز، ده سال پس از شهادت حکمت
جو و تیزابی، تا زیانه بدستان در میهن ما
حکومت می کنند. حسین پورها در زیر شکنجه
به شهادت می رسند و افضلی ها را به
جوخه اعدام می سپارند. یاد حکمت جو و تیزابی
را با ادامه راه آنها، با دفاع از حزب توده
ایران در همه جا گرامی داریم!

که حتی در نیروهای "بسیج" که طبق
ادعای حکومت دواطلبانه به جبهه ها اعزام
می شوند، ناراضی و مخالفت با کشتار بی ثمری
بنام "جنگ اسلام علیه کفر" بطور روز افزون
بالا می گیرد، تا حدی که خامنه ای رئیس
جمهور در دیدار با مسئول بسیج سپاه،
"برخورد قاطعانه با میکربهای سیاسی در فضای
معنوی جبهه ها" را می طلبد. (جمهوری
اسلامی ۲۴ خرداد)

میهن پرستان ایران، بارها مخالفت
خود با ادامه جنگ را مورد تاکید قرار
داده و خواهان قطع این آدم کشی بی سرانجام
شده اند. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)
و حزب توده ایران نخستین نیروهای بی بودند
بلافاصله پس از آزادی خرمشهر، بر ضرورت برقراری
صلح از راه مذاکره پافشاری نمودند. کمیته
مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)،
سه ماه پیش در اعلامیه ای، قطع جنگ و برقرار
ی صلح را هدف مقدم و مشترک همه میهن پرستان
ایران دانسته و نیروهای میهن پرست و صلح
طلب را به بهره گیری از همه امکانات برای تأمین
همکاری هرچه بیشتر در راه صلح فراخواند.
وظیفه همه نیروهای صلح دوست است که به این
فراخوان پاسخ مثبت دهند. صفوف خود
را فشرده سازیم و صدای خود را هرچه بلندتر
کنیم:

"جنگ را قطع کنید! مردم صلح می خواهند!"

در تاریخ معاصر مبارزات مردم ما ۲۵
خرداد و ۷ تیر دو سالروز با یک پیام است.
ده سال پیش، در ۲۵ خرداد ۱۳۵۳، رفیق
پرویز حکمت جو، عضو کمیته مرکزی حزب توده
ایران، زیر شکنجه های وحشیانه دژخیمان رژیم
شاه به شهادت رسید و حماسه پایبندی
و وفاداری به آرمان حزب توده ها را همچون رفیق
هوشنگ تیزابی مبارز دیگر توده ای که یک سال پیش
از او، در ۷ تیر ۱۳۵۲ توسط شکنجه گران
ساواک شهید شده بود، رقم زد.

رفیق شهید پرویز حکمت جو در سال
۱۳۴۳ به همراه رفیق علی خاوری، به دستور
حزب خود وارد ایران شد تا امر خطی
سازماندهی مجدد و رهبری مبارزه توده های
را برعهده بگیرد.

این رفقا بر این باور اصولی بودند که
حفظ موجودیت مجسم حزب طبقه کارگر و تقویت
آن، مبرمترین وظیفه کمونیست ها است. این
رفقا که در حین پیشبرد این خط مبارزاتی
و در حال به انجام رساندن این مأموریت
تشکیلاتی خود، دستگیر شدند، در بیدادگاه
نظامی رژیم سرسپرده شاه، به اعدام محکوم
گردیدند.

اعتراضات وسیع بین المللی و ابراز همبستگی
پرشور محافل اجتماعی جهان، رژیم شاه را

رهبران جمهوری اسلامی، بدون کوچکترین توجه
به خطراتی که ادامه جنگ متوجه ایران، منطقه
و صلح جهانی می سازد، و بدون درس گرفتن
از استفاده سرشارترین نیروهای امپریالیستی
و ذراس آنها دولت ریگان، از افزایش تشنج
در منطقه، دست از تدارک لشکر کشی و کوییدن
بر طبل جنگ نکشیده اند. آنها حداکثر، "راه
حل" انتقال مرکز ثقل تشنج از خلیج فارس
مرزها را تبلیغ می کنند، که پوچی و خطرناک بودن
آن بر هیچ کس پوشیده نیست. سران حکومت
همچنان به فراخوان های متعدد دبیر کل
سازمان ملل متحد و شورای امنیت، کشورهای
سوسیالیستی و مترقی و دولت های منطقه برای
قطع جنگ، بی اعتنا مانده اند.

مردم ایران بیش از پیش با جنگ افروزی
حکومت مخالفت می کنند. مردم صلح می خواهند،
و حاضر نیستند جوانان شان در خاک غریب،
قربانی رویاهای عظمت طلبانه و مدخله گرانه
رهبران جمهوری اسلامی گردند. تظاهرات مردم
شهرهای بعباران شده علیه ادامه جنگ و با
شعارهای تند علیه سران رژیم، جریان روبه
گسترش قرار از جبهه ها، خودداری از تن
دادن به اخاذی برای جنگ در کارخانه ها
و ادارات و... همه و همه نشانگر توسعه
مقاومت و اعتراض مردم در برابر ادامه جنگ
و عواقب فاجعه بار آنست. این بسیار پرمعناست

جنگ را قطع کنید! مردم صلح می خواهند

بقیة از بفعه اول

نیروهای فتح ۳ طرح لیبیک یا خمینی اعلام
آماده باش نموده و از کلیه نیروها خواسته
می شود جهت ثبت نام و انجام مراحل
سازماندهی ۰۰۰ به مراکز پذیرش ۰۰۰ مراجعه
نمایند. ۰۰۰ همچنین از کلیه نیروهای
دواطلب فتح یک و دو طرح لیبیک یا خمینی و
نیز کلیه رزمندگان اعزام مجدد خواسته میشود
جهت حضور در جبهه های حق علیه باطل
بمراکز فوق الذکر مراجعه کنند. (اطلاعیه
"سپاه دهم" - جراید ۲۱ خرداد)

"قرارگاه های سپاه یکم و هشتم قدس
کلیه نیروهای فتح ۱ و ۲ را به خدمت فنی
خواندند." (جراید ۲۲ خرداد)
"قرارگاه سپاه دهم قدس کلیه
نیروهای آماده فتح ۱ و ۲ و اعزام مجدد
را جهت اعزام به جبهه های جنگ احضار کرد."
(جمهوری اسلامی ۲۴ خرداد)

در جهرم، کازرون، بندر عباس، ممسنی، ابرقو،
قائم شهر، بابل، بوانات، رامسر، عباس آباد،
گرگان، علی آباد، بابلسر، کردکوی، آزادشهر،
سیرستان، آمل، بندرگز، مشهد، فردوس، کاشان،
آستارا، رضوانشهر، انزلی، فومن، صومعه سرا،
آستانه اشرفیه، لاهیجان، رودسر، رشت، گناوه،
بندر ریگ، بندر دیلم، فریدونکنار، محمودآباد،
جویبار، بهشهر، نوشهر، چالوس، کلاردشت،
نور و سوادکوه، ۰۰۰ "ده ها هزار تن از نیروها
طرح لیبیک یا امام سپاه قدس عازم جبهه های
نبرد شدند." (جراید ۲۳ و ۲۴ خرداد)
صبح شنبه ۲۶ خرداد، تنه ها در
تهران هزاران تن از افراد بسیج شده
در چارچوب طرح "لیبیک ۰۰۰" و جد ها
پاسدار کمیته ها، پادگانها را به مقصد
جبهه ها ترک کردند. (جراید) و ده ها
فراخوان دیگر از این نوع در احضار و اعزام به
جبهه ها...

بدین ترتیب کودکان، نوجوانان و
جوانان هیچ منطقه، شهر، بخش و حتی روستای
ایران از جنون جنگ طلبی سردمداران حکومت
در امان نمانده اند. عسکری تکان دهنده از
صف کودکان و نوجوانانی که مستقیم
از پشت نیمکتهای مدارس به خیابانها
آورده شده و از آنجا به زیر آتش توپ و گلوله
و بمب اعزام می گردند، روزنامه ها را پر کرده
است. عسکرهایی که بلافاصله در ذهن هر
انسان، صحنه های دلخراش اجساد پراکنده
همین کودکان و نوجوانان در باتلاقها و دشتهای
عراق را تداعی می کند. تصاویری که عسک
جنایت و بیدادی را که بر مردم میهن ما می رود،
آشکار می سازد.

در حاشیه

تکذیب شایعه و تأیید وابستگی

نبوی وزیر صنایع سنگین در مورد شایعه فروش امتیاز پیکان از جانب ایران گفت:

"شایعه عجیبی را که مدتهاست بر سر زبانها افتاده و آن شایعه فروش امتیاز پیکان از سوی ایران می باشد، تکذیب می کنم و عرض می کنم که امتیاز ساخت اتومبیل پیکان متعلق به

ما نیست که آنرا بفروشیم، بلکه این امتیاز متعلق به شرکت تالیوت انگلیس است. این شرکت امتیاز ساخت این نوع اتومبیل را به هر کسی که دلش

بخواهد می تواند بفروشد. البته من چنین موضوعی را بعید میدانم چون امتیاز خرید پیکان در دنیا طالب ندارد." (کیهان، ۲۱/۳/۶۳، تأکید از ماست)

نبوی با نهایت وقاحت در ادامه سخنان اعلام می کند: "بزودی یک نوع اتومبیل سواری جدید در ایران تولید خواهد شد. ایران از کمپانیهای بزرگ اتومبیل سازی جهان خواسته است تا پیشنهادات خود را منطبق با ضوابط کشورمان برای ساخت اتومبیل جدید ارائه دهند." (همانجا)

البته ایجاد صنایع تولید "اتومبیل در ایران آنهم توسط کشورهای امپریالیستی شوخی است. باید دید اکنون جمهوری اسلامی که با تعدید قرارداد مونتاژ پیکان با تالیوت، سود هنگفتی را به جیب ایمن شرکت واریز کرد می خواهد اقتدار نجفات کدامیک از شرکت های اتومبیل سازی را از بحران جهانی کنونی، با ایجاد یک کارخانه مونتاژ دیگر نصیب خود سازد؟

این نامه را بخوانید

کیهان ۱۷ خرداد ۶۳، نامه ای کوتاه با عنوان "این نامه را بخوانید" از یک مادر کارگر چاپ کرده است. این نامه بیجان دردناکی است از آرزوهای هزاران هزار مادر زحمتکش ایرانی. عنوان "مسئولین خیانتکار به اهداف انقلاب این نامه را بخوانید" بیشتر زبینه این نامه است. عین نامه چنین است: "من فاطمه طالبی یک زن کارگر هستم با ۳ پسر و ۲ دختر، شوهرم کارگر سر است. دوشادوش شوهرم مشغول کار میباشم با امکانات کاملاً ناچیز (کرایه دو اطاق یکی از مشکلاتمان میباشد).

به هر حال چند روز پیش شوهرم گفت که با این مخارج سنگین نمی توان زندگی کرد

باید پسر بزرگمان که سوم راهنمایی است را به کار بفرستیم. من اعتراض کردم و گفتم کـــه اگر همه ما از گرسنگی بمیریم او باید درسش را بخواند و مثل ما بدبخت نشود و من نمی گذارم که بچه هایمان مثل خودمان به دست این زالوها (سرمایه داران) بیافتند و خوششان را بکنند. اینها باید درسشان را بخوانند. با این وجود هنوز شوهرم تاکید دارد که پسرمان را به سرکار بفرستد. من از همه مسئولین تقاضا دارم بعنوان یک مادر بدبخت از همه می خواهم که دیگر نگذارند مردم این همه بدبختی بکشند و هرچه سریعتر طرحهای انقلابی را پیدا کنند. و این ساله را که جوانان با سنین پائین نمی توانند کار کنند را به شکل وسیعی به اجرای واقعی برسانید."

یک تحلیل سیاسی نظامی نمونه از سخنگوی شورای عالی دفاع

"شمال عراق یعنی کردستان تقریباً از قلمرو حاکمیت حزب بعث بیرون است. این از شمال عراق. جنوب عراق بصره هست، ناصریه هست و غیره که اصولاً با رژیم بعث خوب نیستند و اکثریت قاطع اینها شیعه هستند و قلبشان با جمهوری اسلامی است. ۵۰۰۰ شرق عراق بطور کلی از حاجی عمران گرفته تا فاو و تا علق حدود سی کیلومتر اصلاً امنیت ندارد. ۵۰۰۰ تویخانه های ما خیلی راحت آنجا می رسد و در مرکز عراق شهرهایی مثل کر بلا، نجف، سامره و کاظمین جاهایی هستند که رژیم عراق اصلاً نمی تواند به اینها اعتماد داشته باشد. کوفیان هم که معروفند که خیلی وفا نمی کنند."

(رفسنجانی - روزنامه جمهوری اسلامی ۲۲ خرداد)

حال کیست که وسوسه نشود لشکریان اسلام، با یک تکبیر کار صدامیان را یکسر کنند؟!

استدعای رفسنجانی

از سران کشورهای امپریالیستی

"من فکر می کنم که در آن کنفرانس (لندن) به این مسائل (یعنی وضعیت متزلزل رژیم عراق) توجه شده و من امیدوارم که آنها واقع بینانه برخورد کرده باشند و فکری برای آینده منطقه طوری کرده باشند که مردم منطقه از شر اینها (یعنی صدامیان) راحت بشوند."

اما با سوابقی که داریم بعید می دانیم که آنها این نوع ورناندیشی ها را بکنند (روزنامه جمهوری اسلامی ۲۲ خرداد)

رده بندی خیانتکاران

مروج امام جمعه اردبیل: با یادآوری پاره ای مشکلات، وجود آنها را ناشی از بعضی نا آگاهیها و یا خیانتها در سطح مسئولین رده دوم و سوم دانست. (جمهوری اسلامی ۱۶ خرداد)

با خیانت کارگزاران جمهوری اسلامی به

اهداف انقلاب یهفن گویا اینک کار به مرحله تقسیم خیانت کشیده است. و مروج هم (خود را گویا از ده اول می داند)، نمونه ای از عدالت اسلامی! "راد تقسیم خیانت ارایه می دهد. جادار به مروج های داد آور شویم که "ماهی از سرگنده گردد، نمی زدم!"

"مجاهدین" هروئین فروش افغانی

روزنامه اطلاعات ۲۴ خرداد، علت اشاعه وسیع اعتیاد در پاکستان را چنین می نویسد: "داد و ستد هروئین در این کشور (پاکستان)، توسط پناهندگان افغانی که با دوره گسردی و فروش مواد مخدر به سهم خود مخارج شورشیان مخالف باد و لت دست نشاند روسیه در کابل را تأمین می کنند، هرچه بیشتر رونق یافته است." به بیان ساده، قاچاقچیان آدمخوار افغانی که عنوان مجاهد را یدک می کشند، بخش عظیمی از جوانان کشور محروم پاکستان را به خاک تیره روزی می نشانند تا "شورشیان افغانی" را از نظر مالی تأمین نمایند. در کشورمان نیز همین ها هستند که توزیع مواد مخدر نقش اصلی را ایفا می کنند. نویسنده در ادامه نوشته اش با حقاقت غیر قابل باوری می نویسد: "منابع اطلاعاتی غربی اظهار می دارند که رژیم کابل با همکاری مخفیانه روسیه همچنین در صدور است تا با ارسال هروئین به پاکستان نظام اجتماعی این کشور را بی ثبات نمایند." معلوم نمی شود بالاخره اشاعه اعتیاد در پاکستان، در جهت براندازی رژیم دموکراتیک افغانستان است یا در جهت بی ثبات کردن نظام اجتماعی پاکستان؟!

اعاده حیثیت

از توطئه گران آبرو باخته

اعلامیه زیر هفته گذشته از سوی روابط عمومی دادسرای انقلاب اسلامی مستقر در حوزه علمیه قم در روزنامه های عصر تهران منتشر شد: "۵۰۰۰ اعلام میدارد که این دادسرا پس از پیگیری و تلاش مستمر در مورد پرونده محبت الاسلام جناب آقای شیخ محمد ابراهیم محرر به این نتیجه رسید که ایشان از تهمت های عنوان شده مبری و کلیه مطلب منتشره علیه نامبرده واهی و بی اساس و ناشی از اغراض شخصی بوده است. علیهذا به موجب حکم ۵۰۰۰ صادره از دادگاه انقلاب اسلامی مستقر در حوزه علمیه قم که باید از ایشان اعاده حیثیت شود، مقتضی است طبق قانون مطبوعات عین این اعلامیه را در همان صفحات که آن دو خبر درج شده است منعکس فرمائید." (اطلاعات ۱۳ خرداد ۶۳) برای کشف "تهمت های عنوان شده" علیه جناب آقای شیخ محمد ابراهیم محرر باید دو سال به عقب برگشت. و اصل ماجرا را هم در همین روزنامه و به تاریخ ۱۸/۲/۶۱ خواند: "در پی کشف توطئه کودتای اسیر (کودتای قطب زاده - شریعت داری) یک روحانی نمای نقده (امام جمعه نقده)، بجرم

توقع بالا "ی ارامنه" یا وقاحت بی حد امام جمعه موقت؟

و تبعیضات مختلف برای اقلیت‌های مذهبی، فشار خود را متوجه مدارس ارمنی ساخته است. در این مدارس، مدیران "مکتبی" به جای معلمین ارمنی به کار گذاشته می‌شوند، تدریس به زبان ارمنی به طور کلی ممنوع می‌شود و شامل تعلیمات دینی مسیحی نیز می‌گردد، تدریس شریعات ارمنی به زبان فارسی از روی کتاب‌هایی انجام می‌پذیرد که "مکتبی‌های آموزش و پرورش آنها را تدوین کرده‌اند"، در مدارس مختلط ارمنی نیز که مدت‌هاست بسته شده‌است تنها "حق" که وزارت آموزش و پرورش رژیم برای ارامنه قایل شده این است که هفت ساعت ۲ ساعت زبان ارمنی در مدارس آنان تدریس شود!

این سیاست ضد مردمی در ماه‌های اخیر با مقاومت وسیع هم میهنان ارمنی ما مواجه شده و مدارس و محلات آنان را متشنج ساخته است. در حین سفر اوزال نخست وزیر ترکیه اعتراض آنان فراز تازه‌ای یافت و پیهوده نیست که رفسنجانی برای خوش آمد این برادر "ناتوبی" جمهوری اسلامی در همین نماز جمعه ارامنه را سرزنش می‌کند که چرا خواسته‌اند در هنگام مسافرت این میهمانان عالی قدر "اخلال" کنند! می‌بایست مبارزات ارامنه میهمان را در جهت کسب ابتدایی ترین حقوقشان انعکاس وسیعی داد و با افشای ستمی که جمهوری اسلامی در حق آنان روا می‌دارد مشت محکم دیگری بر دهان آنان زد که بی شرمانه مدعی می‌شوند "در کشور ما بهترین حقوق بشر وجود دارد!"

است. باید به این مشت نمونه خروار بادقت بیشتری نگریست. آنهم از زبان خود این جناب رفسنجانی می‌گوید: "ما تابع اصولیم و ایمن جوری زندگی می‌کنیم. اما آنها (ارامنه) گاهی يك قدری زیاد روی هم می‌خواهند بکنند" (!) ۰۰۰ الان ارامنه دارند اذیت می‌کنند و بچه‌هایشان توی مدرسه یا امتحان نمی‌دهند یا از این کارها می‌کنند. حرفنا صحیح می‌گویند که مثلاً ما می‌خواهیم تعلیمات دینی مان به زبان خود مان باشد. ۰۰۰ آنها توقعشان را از حد معمول بالا برده‌اند، توی این مملکت، و باز با آنها خشن برخورد نمی‌شود. ۰ (اطلاعات - ۲۶ خرداد، تاکید از ماست).

زهی وقاحت و بی شرمی! این است نمونه‌ای از کارست درخشان اصول حقوق بشر در ایران! ارامنه میهن ما می‌خواهند بیه ابتدایی ترین خواسته آنها توجه شود و بگذارند در مدارس ویژه خود برخی دروس به زبان ارمنی تدریس شود. اما حکومت، در پاسخ می‌گوید که توقعشان بیش از حد بالا رفته است! حرف ناصحیح نزنید و اگر نه از این پس با خشنونت مواجه خواهید شد!

جمهوری اسلامی اکنون مدتی است که در چارچوب سیاست خود مبنی بر ایجاد تضییقات

فشار بر روی ارامنه میهنان برای لگد کوب کردن ابتدایی ترین حقوق آنها در جامعه، دم به دم ابعاد وسیعتری به خود می‌گیرد. ارامنه در برابر تضییقات اجتماعی مختلف که در رابطه با آنها شکل مضاعفی می‌یابد از خود مقاومت نشان می‌دهند و به هیچ رو حاضر نیستند در برابر ستمی که بلندگوهای رژیم از اعمال آن به خود می‌بالند، تسلیم بشوند. مقاومت آنان، رفسنجانی را بر آن داشته است که در خطبه‌های نماز جمعه ۲۶ خرداد ماه تهران با وقیح ترین شکل ممکن، بدانان بت‌سازد و تهدیدشان کند که سر جایشان بنشینند، و گرنه ممکن است آن روی جمهوری اسلامی بالا بپایند و با آنها با خشونت برخورد شود.

رفسنجانی، در خطبه مذکور رفتار جمهوری اسلامی با اقلیت ارامنه را يك نمونه درخشان از رعایت اصول حقوق بشر در ایران می‌شمارد و بدان مباحثات می‌کند. اواز مدعیان دروغین بشر می‌خواهد که همین نمونه را ملاک قضاوت عمومیشان نسبت به وجود آزادی در ایران قرار دهند و از این پس در رابطه با تضییقات مختلف سیاسی و اجتماعی در ایران خاموش شوند.

پیشنهاد رفسنجانی، پیشنهاد جالبی

در حاشیه

همکاری با این توطئه‌گران دستگیر و محاکمه شد. وی که ملا شیخ ابراهیم محرر، نام دارد، در این رابطه تلفنی با مهدوی دیگری عوامل توطئه ارتباط داشت...

بجرم ارتکاب و شرکت در توطئه براندازی جمهوری اسلامی و سوء استفاده از لباس مقدس روحانیت و همکاری با ساواک منحل و مخالفت با ارگانهای اسلامی نده بدت ده سال به شهرستان قم تبعید شد. (اطلاعات ۱۹ اردیبهشت ۶۱) در حکومتی که انقلاب بصلابه کشیده میشود و انقلابیون زندانی، شکنجه و اعدام میشوند، انتظاری بیش از این نمیرود که "روحانی‌نمای توطئه‌گر" بعد از دو سال "حجت الاسلام جناب آقای شیخ محمد ابراهیم محرر" خطاب گردد و از تبعید ده ساله در شهر قم (!!) رها گردد.

۲۴ میلیارد دلار درآمد سالانه نفت، به کجای می‌رود؟

بقیه از صفحه ۶

دل زمین بیرون می‌آید، به هر قیمتی که میسر بود، هرچه زودتر و حتی از چاه بیرون نیامده به دلار وین و مارک تبدیل کرده و آنرا پیشکش "تجار محترم" نموده است تا این غارتگران بازره‌هایی که از دولت می‌گیرند و یا با به دست آوردن کالاهایی که دولت را سوار می‌کند، ایران را قرق گاه و تیول انحصارات امپریالیستی نمایند.

انگای اقتصاد کشور به نفت بیابانگر و استگسی اقتصاد به انحصارات نفتی و شرکت‌های چند ملیتی است. تردیدی نیست که اهداف انقلاب بهمن ایجاب می‌کرد، صدور نفت خام تقلیل یابد و در مقابل به تولید فراورده‌های نفتی و دیگر مشتقات نفت و گاز افزوده شود، چنین برنامه‌ریزی باعث گسترش پالایشگاه‌های نفت و ایجاد صد ها

رشته بهم پیوسته صنایع پتروشیمی و همچنین صد ها موسسه پژوهش علمی و فنی نفت، ادای سر شدن اقتصاد صنعتی پیشرفته با تمام مزایای ناشی از آن در میهنان می‌گردد.

باروی بر تافتن سران حکومت، از اهداف انقلاب بهمن، نه تنها این آرزوی دیرینه مردم ایران که دهها سال برای آن مبارزه کردند، تحقق نیافت، بلکه حکومت، سرنوشت اقتصاد کشور را بیش از پیش وابسته به صدور نفت کرد. ناجایی که رئیس مجلس وقتي محدویت و خطر قطع صدور نفت را در رپیشاپیش هیات حاکمه می‌بیند، می‌گوید: "مانفیت فروشی یعنی هیچ چیز نخریم، یعنی فشنگ هم تهیه نکنیم، یعنی گندم هم نیاوریم، مواد کارخانه و قطعات آنرا هم نیاوریم، معنای این حرف یعنی این ۰ (نماز جمعه، جمهوری اسلامی ۲۹ اردیبهشت).

البته نگرانی رفسنجانی از قطع صدور نفت، بیشتر از ترس نداشتن قدرت خرید "فشنگ" است تا چیزهای دیگر!

استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی

۱۶ ژوئن، روز همبستگی جهانی با مبارزه مردم آفریقای جنوبی فلسون ماندلارا آزاد کنید!



در تنها عکس از دوران اسارت ماندلا، وی با هم‌رزم خود "و. سیسولو" در حیاط زندان "رابن آیلند" دیده می‌شود.

از آفریقای جنوبی نیز، بر اعتبار و نفوذ "ای. ان. سی" بعنوان نماینده واقعی مردم این کشور همواره افزوده شده است. کشورهای "خط مقدم جبهه" (آنگولا، زیمبابوه، زامبیا، موزامبیک و تانزانیا) این سازمان را رهبر مبارزات ضد آپارتاید مردم آفریقای جنوبی می‌شناسند. سازمان وحدت آفریقا رسمیت از مبارزه کنگره ملی آفریقا حمایت می‌کند. کشورهای سوسیالیستی و مترقی، احزاب کمونیست و کارگری و جنبش‌های رهایی بخش در سراسر جهان پشتیبانان استوار مبارزه "ای. ان. سی" هستند. مبارزهای که چشم‌انداز پرشور سرنگونی رژیم آپارتاید و ساختمان جامعه نورا، پیش رو دارد.

که عملیات خرابکارانه متعددی برای براندازی رژیم انجام داده‌اند. فلسون ماندلا که در آن هنگام ۴۶ سال داشت، جزو محکومان بود. از آن تاریخ، ۲۰ سال می‌گذرد و ماندلا هنوز در زندان مخوف "رابن آیلند" بسر می‌برد.

۲۰ سال پس از محکومیت ماندلا در بیدادگاه نژادپرستان، جنبش‌های بخش مردم آفریقای جنوبی قدرتمند تر از هر زمان به مبارزه خود ادامه می‌دهد. رهبری "کنگره ملی آفریقا" و در راس آن "اولیور تامبو" از تبعیدگاه وظیفه خطیر هدایت این مبارزه را بر عهده دارد. پس از قتل عام "سووتو" در سال ۱۹۷۶، که طی آن صدها دانش‌آموز توسط نیروهای نژادپرست به شهادت رسیدند، فعالیت‌های "کنگره ملی آفریقا" در داخل آفریقای جنوبی، پیوسته رو به افزایش بوده است. پرچم این سازمان در نقاط مختلف کشور، در شهر فورت و در کوی و برزن، به چشم می‌خورد. در اجتماعات سیاه‌پوستان، از رهبران "ای. ان. سی" (حروف اول نام کنگره ملی آفریقا) تقدیر بعمل می‌آید. "ام. کیسی" سازمان چریکی "ای. ان. سی" همچنان به مبارزه مسلحانه خود ادامه می‌دهد. در خارج

هشت سال از قتل عام "سووتو" در ۱۶ ژوئن ۱۹۷۶ گذشت.

"ما به رهبران خود وفاداریم" و "فلسون ماندلا را آزاد کنید!" شعارهایی است که در اعلامیه‌ها و بر روی دیوارها در همه جای آفریقای جنوبی دیده می‌شود.

۲۶ خرداد (۱۶ ژوئن) هر سال، روز همبستگی جهانی با مبارزه مردم آفریقای جنوبی علیه رژیم ضد بشری و نژادپرست این کشور است. در این روز در سراسر جهان، فعالیت‌ها و اکسیون‌های متعددی در دفاع از آزادی آفریقای جنوبی علیه "آپارتاید" (نظام اجتماعی-سیاسی و اقتصادی مبتنی بر تبعیض نژادی) انجام می‌گیرد. این روز، بخصوص روز دفاع از زندانیان سیاسی آفریقای جنوبی و در راس آنها "فلسون ماندلا" رهبر "کنگره ملی آفریقا" که سازمان رهبری کننده جنبش‌های بخش آفریقای جنوبی است، می‌باشد.

در ۱۱ ژوئن ۱۹۶۴ یک بیدادگاه رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی احکام خود را در محاکمه موسوم به "محاکمه ریونیا" اعلام کرد: شش آفریقایی، یک هندی و یک سفید پوست به حبس ابد محکوم شدند. آنها متهم گردیدند

چرا بپیار...

بقیه از صفحه ۱۲

و مجازات مسبین این واقعه شدند و بدین وسیله انزجار و خشم خود را نشان دادند، اما بجای دستگیری و مجازات عاملان واقعه، سپاه باصطلاح پاسداران انقلاب قائم شهر دست به دستگیری گروهی از پرسنل شریف و زحمتکش بیمارستان زد در حالی که عاملان اصلی واقعه تلخ حتی برای پاسخ به یک سؤال نیز به دادگاه فرا خوانده نشدند.

براستی که مردم شهر ما حق دارند به پرسند مسبب یا مسبین این واقعه چه کسانی هستند؟ چه کسانی باید پای میز محاکمه فرا خوانده شوند؟ چه کسانی باید در ردیف متهمان جایگو باشند؟

مردم آگاه شهر ما بحق همصدا با هم میهنان انقلابی خود می‌پرسند: علیرغم گذشت پنج سال از انقلاب، چرا باید باز هم شاهد این همه حوادث تلخ و جانگذا باشیم؟ به کدامین گناه انسان دلسوزی در شهر ما زیر فشار روانی اتهامات دروغین و واهی یک مشت قشری و کهنه اندیش و خائن به مردم خود را به فجیعترین شکل می‌سوزاند و در شهری دیگر کارگری زحمتکش زیر فشار جانفرسای فقر

و گرسنگی حاضر میشود و فرزندش را بقتل برساند و صدها نمونه بزرگ و کوچک وقایعی از این دست.

حکام رژیم جمهوری اسلامی نه تنها پاسخی برای این سئوالها ندارند بلکه هر روز دسته دسته از پاک‌ترین و دلسوزترین فرزندان همین مردم به جرم دفاع جانانه از اردوی عظیم رنج و کار و زحمت، به جرم مبارزه با بی عدالتیها، ناسامانیها و به جرم مبارزه با خائنین به انقلاب، فدای پالیستی و مردمی ۲۲ بهمن، به جرم مبارزه با مشی تجار پول پرست و بزرگ مالک و کلان سرمایه دار تحت تعقیب پیگرد، زندان، شکنجه‌های قرون وسطایی و اعدام و تیرباران قرار می‌گیرند و یا از سوی دیگر در جبهه‌های جنگ، جوانان مردم زحمتکش را به کام مرگ می‌سپارند.

مردم آگاه و مبارزان!

واقعه خودسوزی عظمت غفاری نمونه کوچکی از همه وقایع دردناکی است که هر روز، در گوشه و کنار کشورمان بوقوع می‌پیوندد. اینها همه معلول نظامی است که خودبجای مبارزه بسا پیچیده‌الهی، مروج آن است. وقتی سرنوشت مردم بدست حامیان خریولهای بازار و بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران، مشی منادی دروغین عدالت و خائنین به انقلاب و مردم باشد، جز

این انتظار نمی‌رود.

مردم مبارز و شریف قائم شهر را! بار دیگر با حضور گسترده خود در مراسم چهل زنده یاد عظمت غفاری، صدای اعتراض خود را هرچه بلندتر کرده و همه باهم، یکدل و یکصدا با جبهه بزرگ اتحاد خلق، چهره کریه و زشت این خائنین به انقلاب را هرچه رسواتر ساخته و افشاء کنیم.

گرامی باد یاد عظمت غفاری
برقرار باد اتحاد همه نیروهای مردمی
گروهی از مردم قائمشهر
تاریخ ۶۳/۳/۲۰

توضیح و پوزش

با پوزش از خوانندگان گرامی، در "اکثريت" شماره ۱۱ چند اشتباه پیش آمده است که بدینوسیله تصحیح می‌گردد. صفحه ۱ - جمله محرومیتها افزود متر و کیسه‌های غارتگری، فراختر شد "در زیر تیتراژ" است.

صفحه ۳ - ستون سوم بجای اعترافی، اعتراضی چاپ شده است.

صفحه ۱۲ - ستون سوم سطر ۵ "از جمله" زاید است.

صفحات ۱ و ۵ بجای "قرل حصار" "قرل قلعه" آمده است.



رویدادهای جهان

دیدار رهبر نیکاراگوئه از اتحاد شوروی

دانیل اورنگا، هماهنگ کننده شهرای رهبری دولت بازرسی ملی نیکاراگوئه، در راس هیاتی، روز یکشنبه ۱۷ ژوئن وارد مسکو شد. وی در آستانه عزیمت به اتحاد شوروی، در ماناگوا پایتخت نیکاراگوئه، طی یک کنفرانس مطبوعاتی اظهارات مهمی نمود که مذاکرات او با رهبران اتحاد شوروی موجب تقویت پیش از پیش مناسبات میان اتحاد شوروی و نیکاراگوئه خواهد شد. اورنگا افزود مسافرت او در زمانی انجام می گیرد که دسته های ضد انقلابی وابسته به آمریکا عملیات خود را هم در شمال و هم در جنوب کشور تشدید کرده اند. رهبر نیکاراگوئه ضمن رد ادعاهای "صلح خواهانه" دولت ریگان و اشاره به اظهارات شولتز و زرخارجه آمریکایی سفر اخیر خود به نیکاراگوئه خاطر نشان ساخت: تمام اقدامات بعدی واشنگتن برد و رویی دولت آمریکا دلالتهای می کند، که مایل نیست سیاست تجا و زکار نمخورد را در مورد نیکاراگوئه تغییر دهد.

روز سه شنبه ۱۹ ژوئن، کنستانتین چرنکو رهبر اتحاد شوروی با دانیل اورنگا دیدار و گفتگو کرد. در جریان مذاکرات، تأکید شد که مناسبات میان دو کشور، با موفقیت در عرصه های مختلف بسط و گسترش می یابد. رفیق چرنکو همبستگی اتحاد شوروی با مبارزه مردم نیکاراگوئه برای دفاع از استقلال و آزادی کشور خود را مورد تأکید قرار داد. طرفین، سیاست سلطه جویانه واشنگتن در آمریکای مرکزی و حوزه دریای کارائیب را محکوم کرده و به ضرورت حل سیاسی مسأله امتیاز مسایل منطقه از طریق مذاکره اشاره نمودند.

الثوره: اسرائیل در صدد جلب موافقت آمریکا برای حمله به سوریه است

همزمان با تشدید تحریکات نظامی آمریکا در خلیج فارس، متحدان استراتژیک آن اسرائیل، مواضع نیروهای سوری در دره بقاع لبنان را زیر آتش گرفت. روزنامه الثوره ضمن اشاره به بمباران مواضع نیروهای بازدارنده عرب در لبنان از سوی صهیونیستها، و سفر آینده "آرنس" وزیر جنگ اسرائیل از آمریکا، می نویسد، "آرنس" قصد دارد گزارش مربوط به طرح تهیه مقدمات تجا و ز به سوریه را به دولت آمریکا بدهد تا "چراغ سبز" آمریکا برای اجرای این طرح روشن شود. این روزنامه خاطر نشان می سازد این تصادفی نیست که اظهارات پرخاشجویانه تل آویو همزمان با گلوله باران نیروهای سوریه

در "بقاع" صورت می گیرد. از سوی دیگر، دبیرکل سازمان ملل متحد که زمره سوریه، لبنان، اردن و اسرائیل دیدن کرد، در اسرائیل با کارشکنی شدیدی مقامات دولت این کشور در راه تشکیل یک کنفرانس بین المللی جهت حل مسأله خاور نزدیک روبرو شد. همه کشورهای بی که "پزند و کویار" دبیرکل سازمان ملل متحد مورد بازدید قرار داد، به غیر از اسرائیل، با تشکیل چنین کنفرانسی موافقت کردند.

مردم لهستان به سیاستهای دولت، رای مثبت دادند

در روز یکشنبه ۱۷ ژوئن، انتخابات شوراها و محلی در لهستان انجام پذیرفت. طبق نخستین آمار انتشار یافته، بیش از ۷۵ درصد دارندگان حق رای در این انتخابات شرکت کرده و به ۱۱۰ هزار رأی دهنده، از جمله اعضای حزب متحد کارگران لهستان، دیگر احزاب عضو جبهه وحدت ملی و نمایندگان برخی از سازمانهای اجتماعی رای دادند.

"ژرژا و ریان" سخنگوی دولت لهستان، در یک کنفرانس مطبوعاتی، نتایج رای گیری را به عنوان نشانه حمایت توده ای از سیاست تحکیم نظام اجتماعی سوسیالیستی که از سوی دولت این کشور دنبال می شود، ارزیابی نمود و افزود در انتخابات اخیر دعوت نیروهای ضد سوسیالیستی به تحریم انتخابات شکست خورد.

اوضاع ایالت پنجاب هند رو به آرامی است

اوضاع در پنجاب که در شمال غربی هند واقع شده است، رو به آرامی می رود. در پنج شهرستان از ۱۲ ولایت پنجاب، مقررات منع عبور و مرور لغو گردیده و یاب به ساعات شب محدود شد. واحدهای ارتش هند حین بازرسی دریاچه اطراف "معبد طلایی" آمیتسار که ترو رستهای آنرا به پایگاه خود تبدیل کرده اند، سلاحهای زیادی، از جمله مسلسلهای سنگین و سبک، تفنگ و نیز فرستنده های رادیویی و مقادیر هنگفتی مواد مخدر کشف کردند. برخی از این سلاحها، طبق گزارش وزارت دفاع هند حاکی از ارتباط افراطیون با پاکستان و ضد انقلابیون افغانی است. در میان سلاحها اسلحه ساخت آلمان فدرال و چین دیده می شود. بخشی از مخارج این دسته های افراطی سیک برای ایجاد افشاش، از طریق فرو شواد مخدر، تأمین می شده است.

همکاری لهستان و افغانستان گسترش می یابد

اخیرا "استفان اولشوسکی" عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب متحد کارگران و وزیر خارجه جمهوری توده ای لهستان، از جمهوری دموکراتیک افغانستان دیداری بعمل آورد. طی گفتگوهای کوهی با شخصیت های حزبی و

دولتی افغانستان داشت، برنامه ای مشترک بر همکاری های علمی و فرهنگی میان لهستان و افغانستان به امضا رسید. طبق این برنامه، کارشناسان لهستانی به افغانستان در رشته مساحی و نقشه برداری مساعدت خواهند کرد. تعداد دانشجویان افغانی که در لهستان تحصیل می کنند، افزایش یافته و تعدادی از جوانان لهستانی برای تحصیل به دانشگاه کابل عزیمت خواهند کرد.

استفان اولشوسکی و زرخارجه لهستان پیش از ترک کابل در مصاحبه ای گفت: "تحقق این برنامه، در زمانی وسیع برای همکاری اقتصادی میان دو کشور می گشاید. از جمله، در سال جاری نمایندگی بازرگانی لهستان در کابل، دایر خواهد شد. وی افزود: امروزه وقتی امپریالیسم آمریکا به مداخله در امور داخلی کشورهای ما ادامه می دهد، این همکاری اهمیت ویژه ای کسب می کند. آمریکا که دست به تحریم اقتصادی لهستان زد، جنگ اعلام نشده علیه افغانستان دموکراتیک را نیز آغاز نمود. اولشوسکی در پایان سخنان خود تأکید کرد: "دو کشور ما همواره پشتیبانی برادرانه اتحاد شوروی، تکیه گاه اطمینان بخش صلح و امنیت ملت ها برخوردار بوده و هستند."

کنفرانس شوروی حزب کمونیست شیلی

برای نخستین بار پس از روی کار آمدن دیکتاتوری فاشیستی پینوشه، حزب کمونیست شیلی کنفرانس کشوری خود را بطور غیرعلنی و در شرایط سرکوب فاشیستی حکومت، برگزار نمود. در این کنفرانس اعضای کمیته مرکزی، دبیران سازمانهای محلی حزبی و نیز نمایندگان واحدهای حزب کمونیست شیلی در خارج از کشور، شرکت جستند.

در این کنفرانس، به اتفاق آرا فعالیت کمیته مرکزی مورد تأیید قرار گرفت، بیانیه ای به تصویب رسید، در اساسنامه حزب کمونیست شیلی تغییراتی داده شد و کمیته مرکزی جدید انتخاب گردید. به دنبال آن کمیته مرکزی، اعضای هیات سیاسی را تعیین نمود و رفیق لوئیس کوروالان را دوباره به سمت دبیرکل حزب برگزید.

در بیانیه مصوب کنفرانس کشوری حزب کمونیست شیلی بردستی سیاست به کارگیری کلیه اشکال ممکن برای سرنگونی دیکتاتوری فاشیستی تأکید شده است. همچنین مقرر گردید که تلاش حزب برای وحدت عمل همه نیروهای خواهان دموکراسی و نیز تحکیم وحدت سندیکایی، ادامه یابد. در رابطه با اوضاع بین المللی، بیانیه کنفرانس سیاست تجا و زکارانه دولت ریگان را محکوم کرده و با مبارزه سوسیالیستهای آمریکای لاتین، مبارز همبستگی نموده است.



اخراج کارگران با پرونده سازی کمیته

"کمیته انقلاب اسلامی" مستقر در کارخانه ایران ناسیونال نه تنها "رسالت" سرکوب و ایجاد رعب و وحشت در میان کارگران این کارخانه را برعهده دارد، بلکه خدمتگزار مستقیم کارفرمایان سرمایه دار کارخانه ها و کارگاه های اطراف این کارخانه نیز هست. هرگاه کارفرمایان کارگاه ها، به ویژه مرغداری های اطراف کارخانه ایران ناسیونال بخواهند کاری را به هر علت اخراج کنند، این کمیته به فوریت با ترتیب دادن یک پرونده جعلی "اخلال گر" و "گروهی" ترتیب کار را می دهد، ناگفته پیداست، وقتی کارفرمایان با اعتراضات و مطالبات کارگران مواجه می شوند، این کمیته چگونه به "وظایف شرعی" خود عمل می کند.

معیار سنجش خدمت به کارگران

برخی از نامزدهای انتخابات در مردم مجلس برای جلب آراء کارگران به کارخانه ها مراجعه کرده و سخنرانی می کردند. برخی از این کاندیداها، برای اینکه وانمود سازند تاجه حید بر "احقاق حقوق کارگران" با فشاری می کنند می گفتند: تاکید ما بر این مورد اتحادیست که به ما مارک "توده ای" زدند! از جمله فخرالدین حجازی که در فحاشی افترا و توطئه گری علیه حزب توده ایران بد طولانی دارد، وقتی نزد کارگران کارخانه های مستقر در جاده ساوه برای خود تبلیغ می کرد، از این معیار استفاده کرده و می گوید: "بارها به من گفته اند تو به خاطر دفاع زیاد از کارگران، باید توده ای باشی!" سو استفاده بی شرمانه از صفت "توده ای" از جانب دشمنان قسم خورده حزب توده ایران در واقع نوعی خود افشاگری است، اعترافی است مستقیم به این نکته که این توده ایها هستند که در راه احقاق حقوق کارگران، بیشترین مبارزه را می کنند.

ملاقات به جای آزادی!

رژیم، زندانیان سیاسی را حتی بعد از پایان یافتن دوره "محکومیت" آنها، آزاد نمی کند. در زندان اهواز زندانیانی که مدت محکومیت آنها (در بیدادگاه های قرون وسطایی رژیم) پایان یافته بود، از زندان آزاد نشده و مسئولین زندان به آنها می گویند که در عوض

خانواده آنها می توانند به ملاقاتشان بیایند. زندانیان از ملاقات با خانواده های خود سرباز زده و اظهار داشتند تا آزاد نشوند از ملاقات خودداری می کنند.

مرخصی زیر کنترل

حکومت نه تنها کارگران و کارمندان را در کارخانه ها و ادارات زیر کنترل پلیسی قرار داده است، بلکه نهاد های جاسوسی و "حفاظت" ادارات در روزهای مرخصی نیز آنها را زیر نظر می گیرد. اخیراً وزارت مسکن به کارمندان متقاضی مرخصی گفته شده است، کسانی که بیش از دو هفته مرخصی می گیرند، باید آدرس دقیق محل و مقصد خود را به محل کار خود تسلیم کنند.

کمیته مستقر در ترمینال غرب

گفته می شود، کمیته انقلاب اسلامی مستقر در ترمینال غرب قوی ترین کمیته تهران محسوب می شود و علاوه بر ترمینال غرب، میدان آزادی و اطراف آن را نیز زیر پوشش خود دارد و توانایی زیادی را برای شناسایی افراد به کار گرفته است، تاکنون شماری از هواداران نیروهای انقلابی در این ترمینال مورد شناسایی قرار گرفته و بازداشت شده اند.

مقتعه در مهد کودک

مهد کودک کفش ملی زنان کارگران مجبور کرده است که دختر بچه های ۳-۴ ساله خود را مقتعه به سر، تحویل مهد کودک بدهند، تا آنها به "حجاب" عادت کنند!

اعتراض توده ای در زاهدان

به دنبال انتشار خبرهایی در رابطه با بروز یک اعتراض توده ای گسترده در زاهدان اخبار دقیق تر حاکی است:

در دوره اول انتخابات اخیر مجلس، در شهر زاهدان علاوه بر یک شخص غیربومی که مورد پشتیبانی امام جمعه شهر و ارگان های حکومتی مربوطه در تهران بوده است، یک نفر و خانسی سنی مذهبی و بومی زاهدان نیز خود را کاندیدا می کند. این شخص از جانب شورای نگهبان مورد تایید قرار نمی گیرد. این اقدام شورای نگهبان، برای مردم شهر انگیزه ای می شود تا تارضایتی خود نسبت به حکومت را علناً بروز دهند. مردم دست به تظاهرات می زنند، در چهار راهها آتش می افروزند، مقابل نیروهای دولتی می ایستند و به خان امام جمعه نیز هجوم می آورند. پس از این که خبر این عکس العمل تند مردم به تهران می رسد، حکومت هراسان شده و شورای نگهبان به شخص مذکور تلفن می زند که کاندیداتوری او را پذیرفته اند و لذا لازم است مردم را آرام سازد.

او چنین می کند، بعد از این که مردم متفرق می شوند، سپاه و ارتش شبانه نیروهای خود را به زاهدان گسیل داشته و این فرد را دستگیر می کنند. مردم در صدمه و ماتم برمی آیند ولی با عکس العمل شدید قوای حکومتی که به تیربارن نیز توسل جسته بودند مواجه می شوند. تعدادی از مردم در جریان این اعتراض توده ای، کشته و زخمی می شوند. تا مدتی پس از سرکوب حرکت مردم، در شهر حالت حکومت نظامی وجود داشته است.

جرا بیمار زحمتکش شهرمان

دست به خودکشی زد!

اعلامیه تکان دهنده ای با عنوان فوق به دست ما رسیده است، که متن کامل آن به شرح زیر است:

هم میهنان مبارز! مردم شریف و زحمتکش قاضمشهر!

بیش از یکماه از واقعه بسیار دردناک و تلخ خودسوزی "عظمت غفاری"، بهیار دلسوز شهر ما میگذرد. باز هم بار دیگر مردم شهر به مناسبت روز چهل این واقعه غم انگیز دهان به دهان، از این خانه به آن خانه، از این کوی به آن کوی و از این خیابان به آن خیابان یادش را زنده میسازند.

پرسنل زحمتکش بیمارستان ولی عصر، با اعتصاب ۴۸ ساعته خود (بجز بخش اورژانس و جراحی) و مردم مبارز شهر با نوشتن نامه، اعتراضیه و بالاخره با شرکت وسیع و همه جانبه خود در تشییع جنازه عظمت خواهان پیگیری بقیه در صفحه ۱۰

AKSARIYAT
NO.12
FRIDAY, 22 JUNE 84

آدرس
آلمان فدرال
Postfach 23007
6500 Mainz 23
W. GERMANY

انگلستان
P.O. BOX 101
LONDON N17 8YU
ENGLAND

ایالات متحده
P.O. BOX 68156
LOS ANGELES, CA 90066
USA

ایتالیا
C.P. 3125
00122 OSTIA LIDO (ROMA)
ITALY

هندوستان
P.O. BOX NO 3018
NEW DELHI-110003
INDIA